

گفتگو با فرهنگ سازان بزرگ ایران

۷ - مصاحبه با دکتر ابوریحان بیرونی در غزنه (بخش یک)

از دکتر عباس احمدی

اشاره - باخبر شدیم که یکی از اختر شناسان بلند آوازه ی ایرانی به نام دکتر ابوریحان بیرونی در شهر غزنه واقع در شرق افغانستان اقامت دارند و با زحمات فراوان توانستیم مصاحبه ای با ایشان ترتیب بدهیم.

ع ۱ - آقای دکتر ابوریحان بیرونی، از این که با این همه گرفتاری و کهولت سن، در سن هفتاد و هشت سالگی، دعوت ما را برای مصاحبه قبول کرده اید بسیار سپاسگزارم. ضمناً از آقای سلطان مسعود غزنوی که اجازه داده اند از کاخ سلطنتی ایشان در شهر غزنه برای این گفتگو استفاده کنیم تشکر می نمایم. برای آشنایی بیشتر خوانندگان جوان ما، خواهش می کنم راجع به دوران کودکی خود کمی صحبت بفرمایید.

ا ب - نام کوچک من محمد و نام پدرم احمد و لقب من ابوریحان است من در سال ۹۷۳ میلادی، یعنی حدود هزار و بیست پنج سال پیش، در دهکده ی کوچکی در حومه ی شهر خوارزم به دنیا آمدم.

ع ۱ - جناب آقای دکتر، برای اطلاع خوانندگان جوانترمان باید عرض کنم که شهر خوارزم، زادگاه جنابعالی، در زمان حاضر به نام «خیوه» (Khiva) نامیده می شود و در کشور ازبکستان قرار دارد. جمعیت خیوه، در حال حاضر، حدود چهل هزار نفر است و چون پر از بناهای تاریخی است، به نام «موزه ی بزرگ در فضای آزاد» مشهور شده است. مساحت کشور ازبکستان کمی بیشتر از ایالت کالیفرنیا ی امریکا است و حدود بیست و پنج میلیون نفر جمعیت دارد.



عکسی از شهر خوارزم یا خیوه (ازبکستان)، زادگاه ابوریحان بیرونی

ا ب - من از کودکی به علم و دانش علاقه مند بودم و در پیش آموزگاران درجه اول خوارزم، مانند آقای «ابو ناصر المنصور»، علوم عربیه و علوم عجمیه آموختم.

ع ا - علوم عربیه و علوم عجمیه، چه علمی هستند؟

ا ب - علوم عربیه یعنی فقه و الهیات و علوم عجمیه یعنی ریاضیات و نجوم و پزشکی. من ابتدا در رشته ی نجوم و ریاضیات تحصیل کردم. سپس، به تاریخ و جغرافیا علاقمند شدم و در این رشته کتاب های متعددی نوشتم. بعدها، به علوم فیزیک و پزشکی و کانی شناسی و داروشناسی پرداختم و در این زمینه ها پژوهش های بسیار کردم. ضمنا باید اضافه کنم، چون برای محاسبه های نجومی احتیاج به ریاضیات دارم، از این رو به علم ریاضیات نیز پرداخته ام. اما، به طور کلی، رشته ی اصلی من نجوم و اختر شناسی است. همان طور که ملاحظه می کنید، در حال حاضر، شغل رسمی من در دربار سلطان مسعود غزنوی، شغل اختر شناسی است و بنده اخترشناس رسمی دربارم.

ع ا - جناب آقای دکتر، می بخشید که این سوال را می کنم، اما می خواهم بدانم چرا به شما «بیرونی» می گویند؟

ا ب - برای این که من در بیرون شهر خوارزم متولد شده ام. مردم به کسانی که در بیرون از خوارزم به دنیا آمده اند «بیرونی» می گویند.

ع ا - آیا شما، در جوانی، به غیر از خوارزم، به شهرهای دیگری هم مسافرت کرده اید؟

ا ب - من در جوانی به سیر و سیاحت در سرزمین ایران پرداختم و سرانجام در سن بیست و پنج سالگی به شهر گرگان رفتم و مدت چهارده سال یعنی تا سن سی و نه سالگی در شهر گرگان در دربار «شمس المعالی قابوس وشمگیر» بودم و سپس به زادگاهم، خوارزم، برگشتم.



عکسی از شهر گرگان که ابوریحان بیرونی، چهارده سال از عمرش را در آن جا گذرانید

ع ۱ - جناب آقای دکتر، برای اطلاع خوانندگان جوانترمان باید عرض کنم که شهر گرگان، در زمان حاضر، مرکز استان گلستان است و در شمال ایران و در شرق دریای مازندران قرار دارد. جمعیت گرگان، در حال حاضر، حدود صد و شصت هزار نفر است. در زمان جنابعالی به این شهر، «جرجان» می گفتند، اما نام آن بعداً به «استرآباد» تغییر یافت و اکنون به آن «گرگان» می گویند. آقا محمد خان قاجار، بنیان گذار سلسله ی قاجاریه در شهر گرگان متولد شده است. آیا در زمانی که در گرگان بودید کتابی هم نوشتید؟

ا ب - من در سن بیست و هفت سالگی یعنی در سال ۱۰۰۰ میلادی، کتاب «الاثار الباقیه» را در گرگان نوشتم.



روی جلد کتاب «الاثار الباقیه»، اثر ابوریحان بیرونی

ع ۱ - اصطلاح «آثار الباقیه» در زبان عربی به معنای آثاری است که از قدیم باقی مانده باشد. بنابراین حدس می زنم که این کتاب در باره ی تاریخ و جغرافیای باستانی باشد. آیا حدس من درست ؟

ا ب - حدس شما درست است، کتاب «الاثار الباقیه» در باره ی تاریخ و جغرافیای باستانی

منطقه ی خاور میانه است و به زبان عربی نوشته شده است.



صفحه ای از کتاب «الاثار الباقية»، پادشاه بابل در حال ویران کردن شهر اورشلیم است

ع ۱ – جناب آقای دکتر ابوریحان بیرونی، چطور شد که از خوارزم به غزنه آمدید؟
 ا ب – من به میل خود به غزنه نیامدم بلکه مرا به غزنه آورده اند. جریان از این قرار است که در سال ۱۰۱۷ میلادی یعنی در زمانی که من چهل و چهار سال داشتم، سلطان محمود غزنوی، که از ترکان آسیای مرکزی بود، به خوارزم حمله کرد و این شهر را گرفت. سال بعد، او مرا به همراه عده ای دیگر از دانشمندان و فیلسوفان خوارزم به پایتخت خود شهر غزنه برد. از آن زمان تاکنون که هفتاد و هشت سال دارم یعنی به مدت سی و سه سال است که دور از زادگاهم در این شهر زندگی می کنم.

ع ۱ – جناب آقای دکتر، برای اطلاع خوانندگان جوانترمان باید عرض کنم که شهر غزنه در حال حاضر به نام غزنی نامیده می شود، و در شرق کشور افغانستان، سر راه جاده ی کابل به قندهار، در کنار رودخانه ی غزنی، در ارتفاع ۲۲۲۵ متری از سطح دریا، قرار دارد. این شهر، در حال

حاضر، حدود سی و چهار هزار نفر جمعیت دارد و مرکز استان غزنی است. شهر غزنه، در زمان جنابعالی، یعنی در زمانی که پایتخت سلطان محمود غزنوی بود، به اوج شکوه و عظمت خود رسید، اما، بعد از انقراض سلسله ی غزنویان، ستاره ی اقبالش افول کرد.



نقشه ی افغانستان: شهر غزنه یا غزنی، پایتخت سلطان محمود غزنوی، در روی نقشه، با دایره، نشان داده شده است.

ع ۱ – می دانم که زبان مادری شما زبان خوارزمی است. به غیر از زبان خوارزمی، چه زبان های دیگری می دانید؟

اب – به غیر از زبان خوارزمی، چهار زبان عربی و فارسی و سانسکریت و یونانی را به خوبی می دانم و به هر چهار زبان می توانم بخوانم و بنویسم. بنده با دانشمندان مسلمان و مسیحی و هندو به زبان آن ها گفتگو می کنم و از این راه با بسیاری از متن های علمی یونانی، بابلی، مانوی و زرتشتی آشنا شده ام.

ع ۱ – آیا در این مدت سی و سه سالی که در غزنه هستید، از این شهر به جاهای دیگر هم مسافرت کرده اید؟

اب – همان طور که می دانید، سلطان محمود غزنوی، برای فتح هند، چندین و چند بار به سرزمین هندوستان لشکر کشید. من در اکثر این لشکر کشی ها همراه اردوی سلطان محمود به هند رفتم و از این راه با سرزمین و فرهنگ هند از نزدیک آشنایی پیدا کردم. بعد از بازگشت از هند به

غزوه در سال ۱۰۳۱ میلادی، یعنی در سن پنجاه و هشت سالگی، «کتاب الهند» را به زبان عربی نوشتم که در باره ی تاریخ و جغرافیای هنداست.

ا ح - همان طور که می دانید، سلطان محمود غزنوی، در ظاهر به بهانه ی «غزوات» یا جنگ های مذهبی، اما در باطن برای چپاول و غارت شهرها و معابد هند به آن کشور لشکر کشی کرد. آیا جنابعالی که نظاره گر چپاول های سلطان محمود بودید، به این مسائل هم در کتاب خود اشاره کرده اید؟

ا ب - به طور مستقیم، خیر. «کتاب الهند» همان طور که از نامش پیداست در باره ی فلسفه، مذهب، ادبیات، ریاضیات، نجوم، فیزیک، شیمی، زمین شناسی، و آداب و رسوم، هند است. در خلال این گزارش ها، اشاره های غیر مستقیمی به بعضی از مسائلی که ذکر کردید، کرده ام اما هدف من چیز دیگری بوده است. هدف من این بوده است که بدون تعصب و پیشداوری در مورد مذهب هندو و یا به قول شما، مذهب هندوئیسم، تحقیق کنم و گزارش جامعی راجع به فرهنگ هند به دست بدهم.

ع ا - به غیر از کتاب الهند، چه کتاب دیگری در این مدت نوشتید؟

ا ب - در همان سال، کتاب «التفهیم» را نوشتم. این کتاب در باره ی نجوم و ریاضیات است.

ع ا - در سال ۱۰۳۱ میلادی که جنابعالی این دو کتاب را نوشتید، یک سال از فوت سلطان محمود می گذشته است و در آن زمان، پسر او، سلطان مسعود، به تخت سلطنت تکیه زده بوده است. در زمان سلطان مسعود چه کتابی نوشتید؟

ا ب - در زمان سلطان مسعود، من کتاب «القانون المسعودی» را به زبان عربی نوشتم و آن را به سلطان مسعود تقدیم کردم. این کتاب در باره ی نجوم و ریاضیات است.

ا ح - همان طور که همه می دانند، کتاب «القانون المسعودی» یکی از بزرگترین و معتبرترین کتاب ها بی است که در باره ی علم نجوم نوشته شده است. این کتاب را، از نظر عظمت، فقط می توان با کتاب عظیم «القانون فی الطب» ابن سینا، مشهورترین کتاب پزشکی دنیا، مقایسه کرد. با این تفاوت که کتاب ابن سینا در باره ی طب و کتاب شما راجع به نجوم است. اگر ابن سینا، امیر پزشکان است، جنابعالی نیز امیر اختر شناسان هستید. اکثر محققان و پژوهشگران، جنابعالی را به عنوان یکی از بزرگترین اختر شناسان همه ی اعصار و قرون می شناسند و در پژوهش های شما به دیده ی تحسین می نگرند.

ا ب - از اظهار لطفی که دوستان در حق بنده مبذول می دارند، بی نهایت سپاسگزارم.

ع ا - شما در عرض این هفتاد و هشت سالی که از عمر شریفتان می گذرد، بیش از صد و چهارده کتاب در رشته های مختلف نوشته اید. امروز فقط ما توانستیم تنها به چهار کتاب از این ۱۱۴ کتاب

اشاره کنیم. از این چهار کتاب، دو کتاب یعنی «الانوار الباقیه» و «کتاب الہند» در باره ی تاریخ و جغرافیاست و دو کتاب دیگر یعنی «التفہیم» و «القانون المسعودی» در باره ی نجوم و ریاضیات است.

ا ب - تخصص اصلی بنده در علم نجوم است و سال ها ست که به عنوان منجم دربار غزنویان، در شهر غزنه، مشغول به کار هستم. همان طور که می دانید، برای تنظیم جدول های نجومی و اندازه گیری های مختلف، احتیاج به علم ریاضی و مثلثات است، بنابراین توجه ی بنده به ریاضیات نیز ریشه در نجوم دارد.

ع ا - جناب آقای دکتر ابوریحان بیرونی، با آن که از محضر گرم جنابعالی سیر نمی شویم، اما متأسفانه وقت ملاقات ما به پایان رسیده است و مجبوریم دنباله ی مصاحبه را به وقت دیگر موکول کنیم. بار دیگر از این که دعوت ما را پذیرفتید تشکر می کنیم.

دنباله ی این مصاحبه ی جالب را که در باره ی فرضیه ها و کشفیات ابوریحان بیرونی در علم نجوم و اختر شناسی است، در شماره ی آینده با هم خواهیم خواند.

منبع:

لیست کامل منابع و ماخذ، در بخش آخر ذکر خواهد شد.

Email: abbas.ahmadi@mailcity.com

Web Site: <http://news.gooya.com/ahmadi.php>

[Phyl07Biruni1.vnf](#)